

گاهنامه هنر و مبارزه

تجدید انتشار با تصحیحات مختصر در 25 دسامبر 2018

23 ژانویه 2014



Numéro 2 - 21 janvier 2014

90 مین سالگرد مرگ لنین

روزنامه حزب کمونیست کانادا (مارکسیست-لنینیست)

<http://www.cpcml.ca/francais/Lmlq2014/Q44002.HTM#1>

تا وقتی که مبارزه برای جامعه ای نوین وجود دارد،

نام و اثر لنین از جایگاه ویژه ای برخوردار خواهد بود



لنین خطاب به گردهمایی در میدان سرخ، 2 ژانویه 1919

ولادیمیر ایلیچ لنین، بزرگترین نظریه پرداز مارکسیست و انقلابی قرن بیستم، 90 سال پیش از این، روز 21 ژانویه 1924 طی سوء قصد از سوی یک فرصت طلب، از ناحیه پشت گردن مورد اصابت گلوله قرار گرفت و درگذشت. با وجود این که او طی تمام نخستین دوران انقلاب و ایجاد ساختار سوسیالیستی دار فانی را وداع گفته بود، ولی چنین واقعیتی مانع از این نبود که اثر عظیمی را به وجود نیاورده باشد: او دولت کارگران و دهقانان روسیه را ایجاد کرد و خطوط ایدئولوژیک و سازماندهی آن را نیز برای انکشاف انقلاب و سوسیالیسم ترسیم نمود.

لنین از ابتدا کار خود را بر بنیادهای نظریه مارکسیسم بنا نهاد. او به عبارتی مغز متفکر مفهوم جامع سوسیالیسم علمی بود و به شکل خدشه ناپذیری باورداشت که تنها راه پیشرفت جامعه، راه رهائی طبقه کارگر از طریق انقلاب پرولتاریائی است. و چنانکه می بینیم، رویدادهای آخرین دهه قرن بیستم غالباً این باورداشت لنین را تأیید کرده است.



تابلوی «مراسم به خاک سپاری لنین» اثر ایزاک برودسکی (1925)
Isaak Brodsky (1925).

نخستین مسائل ایدئولوژیکی که لنین مطرح کرد، دفاع از تمایلات مارکسیست بود، به معنای تمایلات متکی به نتیجه گیری های مارکسیستی. او بر این باور بود که انسجام و اتحاد جنبش بستگی به دفاع از چنین رویکردی دارد، و به این معنا که انکشاف تفکر مارکسیستی و تحقق بخشیدن به آن انطباق با شرایط تاریخی را ضروری می سازد.

علاوه بر این، او از ضرورت تحقق بخشیدن به طرحی برای تأسیس جنبش دفاع می کرد و نظریات آنی را که به «تاکتیک-روند» شهرت داشت محکوم می دانست. ما باید بدانیم که نتایج تأملات او در آثارش برای آغاز قرن بیستم، و حتی امروز به شکل بارز و ژرفی ارزش خود را حفظ کرده است.

یکی از نظریات لنین که حتی امروز نیز تمام مفهوم خود را حفظ کرده، وظیفه رهائی طبقه کارگر است که او چنین امری را در حیطه کارکرد خود کارگران می دانست. با بنیانگذاری حزب کمونیست کانادا (مارکسیست-لنینیست) همواره از همین نظریه دفاع شده و مبارزه ایدئولوژیک را به پیش برده است، و به شکلی که سازمان های زیر بنائی در اماکن کار پروترهای مدرن ستون های حزب را تشکیل می دهند. این نظریه طی فعالیت های حزب کمونیست کانادا (مارکسیست-لنینیست) تعمیق یافت.

نظریه دیگری که هنوز اعتبار و مفهوم خود را حفظ کرده، این است که بدون نظریه انقلابی جنبش انقلابی نیز نمی تواند وجود داشته باشد. طرح انکشاف اندیشه مارکسیستی و سازماندهی آن در رابطه با جنبش انقلابی وجه تمایز مارکسیست های انقلابی از تمام مکاتب فرصت طلب است. برای فرصت طلبان (اپورتونیست ها)، سیاست انقلابی به معنای جدا ساختن سیاست از جوهر انقلابی آن است، و به معنای اخته کردن و منحرف ساختن نظریه انقلابی به یک سری اندیشه جزمی که سیاست را به ابزاری برای قدرت بورژوا تبدیل می سازد. برای مارکسیست های انقلابی، کاملاً بر عکس، نظریه انقلابی در کوران کارآیند انقلابی گسترش می یابد. به شکلی که دفاع از همین مفهوم لنینیستی (دیالکتیک نظریه و کارآیند) برای مارکسیست ها یکی از اشکال مبارزه طبقاتی تلقی می گردد.

با بازشناسی نظام سرمایه داری که به شکل عینی به مرحله نهائی خود رسیده، یعنی مرحله انگلی و زوال، لنین نتیجه می گیرد که زمان سرنگونی نظام سرمایه داری و تأسیس نظام سوسیالیسم فرارسیده است. در این نتیجه گیری مفهومی ژرف و عظیم نهفته است. برای رها ساختن چنین نظریه ای فشارها بسیاری وارد آمد، مخالفت با چنین نظریه ای بر این اساس بود که سرمایه داری هنوز چندین مرحله دیگر در فراروی خود دارد و در شرایطی است که می تواند تضادهای خاص خود را حل کند.

فروپاشی رژیم های اروپای شرقی، با تمام اصلاحات سرمایه داری، نشان داد که مرحله دیگری برای نظام سرمایه داری وجود ندارد. در تمام کشورهای که به بهانه «اقتصاد بازار» ساختار سرمایه داری را راه اندازی کرده اند، نتیجه آن آنارسی و هرج و مرج اقتصادی و پیامدهای آن در سیاست بوده است. نظریه لنین مبنی بر این که امپریالیسم را بایستی به عنوان شب پیش از انقلاب پرولتاریائی تلقی کنیم، همچنان معتبر پا برجا مانده است. این نظریه را نیز باید به عنوان یکی دیگر از نکات مهم در مبارزه ایدئولوژیک تلقی کنیم، و امروز ضرورت ایجاب می کند که به دفاع از آن ادامه دهیم و در انکشاف آن بکوشیم.

با درک این مهم که دوران او دوران امپریالیسم و انقلاب پرولتاریائی بوده، لنین نتیجه می گیرد که به حزبی از نوع نوین نیاز هست تا موانع تحقق چنین انقلابی را از سر راه بردارد. اصل سازماندهی مرکزیت دموکراتیک، که ایجاد آن به کوشش او امکان پذیر گردید، امروز تمام اهمیت خود را حفظ کرده است. یکی از دلایل فروپاشی حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی بفراموشی سپردن چنین اصلی بود که زیر سنگینی دیوان سالاری پیرامون دفتر سیاسی، شرکت اعضا در زندگی حزبی به سطحی ترین درجه تنزل کرده بود. تمام اعضای حزب کمونیست از ماهیت سیاسی خود تهی شده بودند، یعنی موردی اجتناب ناپذیر، خاصه در وضعیتی که نظریه مرکزیت دموکراتیک به یک سری زنجیره مراتب سازمانی تنزل یافته است. در نتیجه دفاع از اصل مرکزیت دموکراتیک را باید یکی از مهمترین وظایف در سازماندهی بنیادهای حزب کمونیست توده ای بدانیم.

دنیای امروز به سوی دوران آغاز فروپاشی نوینی در ابعاد جهانی حرکت می کند. چنین امری مستلزم گسترش عمیق نظریه مارکسیست لنینیستی خواهد بود، به همان شکلی که مارکس و انگلس، سپس لنین و استالین در دوران خودشان به انجام رساندند.

لنین خیلی زود در کار انقلابی خود به سال 1908 به دفاع از ماتریالیسم دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی، درک جهان، روش و نظریه ضروری در بررسی روابط بین انسانها و روابط بین انسان ها و طبیعت، مسئله بنیادی که می بایستی نظریه و فلسفه به آن پاسخ گوید، همت گماشت.

لنین در سر تا سر اثرش نشان داد که چگونه فرصت طلبان زیر پوشش علم و در لباس مارکسیست به میدان آمدند تا به نظریه ماتریالیسم دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی حمله کنند.

اثر لنین امروز برای دفاع از چنین نظریه ای که از هر سو به آن حمله می برند ارزش پر اهمیتی دارد. حمله به این نظریه شاهراه تمدن، تعریف تمدن و محتوای آن را در ظلمت فرو برد. فشارهایی از هر سو وارد آمد تا آن را به بن بست بکشاند.

نتیجه گیریهای لنین درباره دولت و انقلاب، نقش طبقه کارگر و سازمان هایش، نقش دهقانان و دیگر اقشار اجتماعی، نقش حزب بلشویک برای هدایت گام به گام انقلاب و تحقق بخشیدن به ایجاد اتحاد تمام توده های کارگری پیرامون طبقه کارگر، برای هدایت مبارزه طبقاتی، در پیوند با پرولتاریای بین المللی در نقش خود به عنوان ذخیره استراتژیک برای انقلاب، مجموعه نظریاتی است که باید از آن دفاع کرد و در انکشاف آن کوشید. این مجموعه نظریات باید بر اساس شرایط کنونی گسترش یابد و دارای کیفیت یگانه ای باشد، به این معنا که باید به تعاریف مدرن تکیه داشته باشد .

به همین علت این نظریات تمام اهمیت خود را حفظ خواهد کرد، البته در صورتی که به نظریات و افکار جزمی تنزل داده نشود.



گردهمایی شوروی در پتروگراد سال 1917. شوروی طی مارس 1017 ایجاد شد پس از انقلاب مارس به عنوان عضو نمایندگی کارگران و سربازان شهر، جدا از شورای موجود در شهر یا دوما. پس از سرنگونی تزار، شوروی به موازات دولت موقت بر روسیه حکومت کرد.

به همان گونه که لنین در دوران خود عمل می کرد، امروز دفاع از تمایلات مارکسیست لنینیست برای ایجاد جنبش انقلابی امری اجتناب ناپذیر است و چنین دفاعی باید در رابطه تنگاتنگ با جنبش تحقق یابد. دفاع از تمایلات مارکسیست لنینیست مولد تفکر مارکسیست لنینیست بوده که نظریه انقلابی حاصل از آن باید جنبش انقلابی را هدایت کند.

چنین کاری نمی تواند به تکرار طوطی وار نقل قول های لنین یا چند تن دیگر تنزل یابد. دفاع از جریان مارکسیست لنینیست باید محتوای پر مایه و با ضروریات زمان تطبیق داشته باشد.

یکی از مهمترین ضروریات، دفاع از نظریه ضرورت حزب کمونیست توده ای و تحقق بخشیدن به آن در روند کارآیندی است.

لنین در آغاز اثرش به وظایف ضروری برای ایجاد حزب پرداخته است. ما نمی توانیم چنین کاری را به شکلی که مطرح شده بازتولید کنیم، به همان شکل و با همان محتوا، یعنی به آن شکلی که برخی در گذشته در پی بازتولید آن بودند. باید جوهر آن را درک کنیم و به اجرا بگذاریم. جوهر، یعنی بدون حزب انقلابی نمی توانیم انقلاب کنیم و ساخت و پرداخت چنین حزبی باید منطبق بر شرایط موجود باشد.

بسیاری لنین را بخاطر ترک مارکسیسم و ایجاد حزب منطبق بر شرایط دوران خود متهم دانسته اند. به همین گونه امروز اگر می بایستی برای انجام وظیفه خطیر تشکیل حزب کمونیست توده ای از ترس متهم شدن به ترک لنینیسم، از چنین کاری منصرف شویم، گواهی خواهد بود بر فقدان اطمینان عمیق ما به آن.

زندگی و اثر لنین عنصر مهمی برای جنبش رهایی بخش است و ضرورتی حیاتی ایجاد می کند که از آن بهترین بهره برداری های ممکن را داشته باشیم و به نفع طبقه کارگر و ملت های جهان به کار ببریم. به همان شکلی که لنین در جنبش رهایی بخش ملت ها ذخیره ای برای انقلاب پرولتاریائی می دید، امروز به عهده ما خواهد بود که از تمام جنبش های خلقی برای بهبود شرایط آنها استفاده کنیم، و به ویژه در رابطه با دموکراتیزاسیون زندگی در تمام جلوه گاه هایش.

از دوران لنین، تحولات بسیاری روی داده است. در نتیجه ضروری خواهد بود که محتوای عمیق این تحولات را درک کنیم، در غیر این صورت نیروئی که در اثر لنین انباشت شده مورد استفاده قرار نخواهد گرفت، به همان دلیلی که در اروپای شرقی و در اتحاد جماهیر شوروی سابق به وقوع پیوست.

برای درک عمیق کارائی اثر لنین، باید جوهر آن را تشخیص دهیم، یعنی مهمترین حلقه را در زنجیره مسائل بیابیم و بر این اساس است که می توانیم به تمام زنجیره احاطه پیدا کنیم و به انقلاب تحقق ببخشیم.

در سطح آماده سازی شرایط ذهنی انقلاب، این رابطه، این حلقه از زنجیره، تحقق به تعاریف مدرن است. تشخیص چنین حلقه ای یک کار تمام عیار انقلابی بنظر می رسد که در شرایط انزوای انقلاب، به طبقه کارگر اجازه می دهد که به حرکت درآمده و پشتیبانی مردم را بدست آورد. طبقه کارگر نمی تواند خود را برای پیروزی نهائی آماده کند، بی آن که در این مسابقه شرکت کند و بی آن که طی این مدت در این نبردهای کلیدی علیه بورژوازی پیروز شود.

حزب کمونیست کانادا (مارکسیست_لنینیست) از بزرگداشت 90 مین سالروز مرگ لنین برای تمديد اعتقاد به پیروزی انقلاب و سوسیالیسم به عنوان فرصتی گرانبها استفاده می کند. حزب کمونیست کانادا(مارکسیست_لنینیست) با اهداف لنینی به مبارزه ادامه می دهد، زیرا پیروزی انقلاب امروز به همان اندازه فوریت یافته که در دوران او. تا وقتی که مبارزه برای جامعه ای نوین ادامه دارد، زندگی و اثر لنین نیز جایگاه ویژه خود را خواهد داشت.

ترجمه حمید محوی

پاریس 26 دسامبر 2018

